

روایهایی که می آیند

ساسان گلفر

cinemaglobe.blogfa.com

گر به ها و آدم‌ها

■ بازگشت نام کمرون کسرو روی برده سینما، ورود آنجلینا جولی به عرصه کارگردانی فیلم‌های بلند، بر پرده رفتن دو فیلم نسبتاً قدیمی و فراموش شده و نمایش یک انیمیشن غیر متعارف از اتفاق‌های اکران این هفته سینمای جهان هستند.

■■■

ما یک باغ وحش خریدیم



We Bought a Zoo

کارگردان «تقریباً مشهور» و «جری مگوایر»، کمرون کسرو، این درام خانوادگی ۱۲۴دقیقه‌ای را بر مبنای یک داستان واقعی ساخته، فیلمنامه‌اش را آلین براش مک کناز خاطرات یک روزنامه‌نگار انگلیسی اقبالش کرده است و مت دیمون، اسکارتلت جوهانسن، تامس هایدن چرچ، باتریک فوگیت و ال فانینگ در آن بازی می‌کنند. پدری که به تازگی همسرش را از دست داده، باغ وحشی مترو که می‌خرد و با دو فرزندش در آن سکنی می‌گزیند و با کمک کارکنان سابق آن تلاش می‌کند باغ وحش را به وضع باشکوه سابق بازگرداند.

در سرزمین خون و غسل



In the Land of Blood and Honey

اولین فیلم بلند داستانی آنجلینا جولی در مقام کارگردان (که چهار سال پیش مستند «مکانی در زمان» را نیز کارگردانی کرده است) و همچنین نویسنده فیلمنامه، اثری است درباره فجایع جنگ دو دهه پیش در بوسنی و یک داستان عاشقانه در فضای مرگبار جنگ بالکان. زانا مرجانویچ، گوران کانتیچ، راده شربیزیا، ونسا گلوچسو و نیکولا جوریکو از بازیگران این درام عاشقانه جنگی هستند. زمان نمایش فیلم ۱۲۷ دقیقه است.

دوشیزه مینوز



Miss Minoes

در ایسن کمدی خانوادگی فلتزی به کارگردانی وینسنت بال، محصول کشور هلند که ۱۰ سال بعد از تولید در خارج از اروپا و جشنواره‌ها به نمایش عمومی رسیده، گریه‌به به صورت یک انسان درمی‌آید تا به کمک روزنامه‌نگاری برود که می‌خواهد شهرش را از نقشه‌های شوم یک کارخاندار شیطان صفت مصون نگه دارد. فیلمنامه را تامارا یابس از رمانی به قلم آنی اشمیت اقتباس کرده است و کاریس وان هوتن (بازیگر «کتاب سیاه»، توماسن و سارا بایر در فیلم حضور دارند.

رودخانه لندن



London River

درام «رودخانه لندن» محصول مشترک سال ۲۰۰۹ انگلستان، فرانسه و الجزایر است که دو سال پیش جوایزی در جشنواره برلین و چند جشنواره دیگر دریافت کرد و اکرانش از این هفته در آمریکا و کانادا شروع شده است. رشید بوشارب کارگردان و فیلمنامه‌نویس پس از این فیلم نامزد اسکار «خارج از حیطه قانون» را کارگردانی کرد. داستان درباره دو فرد غریبه است که برای پی برحن به سرنوشت فرزندان‌شان در حملات تروریستی سال ۲۰۰۵ لندن، به آن شهر می‌روند. برندا بلایتن، سوتیکوی کوبانه و فرانسیس مگی در فیلم بازی می‌کنند.

چیکو و ریتا



Chico & Rita

داستان انیمیشن موزیکال «چیکو و ریتا»، محصول مشترک انگلستان و اسپانیا به کارگردانی فرناندو توریا، تونو رالدو و خلویر ماریسکال، در کوبای سال ۱۹۴۸ می‌گذرد. چیکو پیانیست بلندپروازی است که به شیوه‌ای که در چکامه‌های لاتین آمده است، از هالوانا تا نیویورک، لاس‌وگاس و پاریس را در جست‌وجوی عشق خود زیر پا می‌گذارد. ماریو گوئر، لیمارا منزس و امان سوررونا صدایشان این انیمیشن ۹۴ دقیقه‌ای هستند.

«در سرزمین خون و غسل» از نگاه قربانیان جنگ بوسنی و کارگردان فیلم

فرش قرمز فاجعه

فیلیپ شرول / ترجمه: پریا لطیفی‌خواه

ادبی علیه جولی و گروه او شکایت کرده و ادعا کرده است که خانم جولی بخش‌های بزرگی از فیلم را از کتابی که او در سال ۲۰۰۷ با موضوع یک داستان عاشقانه بر زمینه فروپاشی ویرانگر یوگسلاوی سابق نوشته، وام گرفته است. برد پیت، شوهر جولی و پدر سه فرزند او- به علاوه سه فرزند دیگری که به فرزندخواندگی پذیرفته‌اند- تهیه‌کننده چند فیلم بوده است. اما خاتم بازیگر ۳۶ساله در این پروژه بر شوهرش پیشدستی کرده و برای «در سرزمین خون و غسل» که در آن به زبان‌های انگلیسی، صربی و کرواتی صحبت می‌شود، بازیگرانی را از سراسر یوگسلاوی سابق انتخاب کرده است که بسیاری از آنها در جنگ مجروح شده‌اند، نزدیکان‌شان را از دست داده‌اند یا خود جنگیده‌اند. داستان فیلم که در تاریخ ۲۳ دسامبر (۴ دی) در آمریکا

روی پرده می‌رود، بر محور ارتباط میان یک زن هنرمند بوسنیایی و یک افسر صرب می‌گردد. این دو نفر که پیش از شعله‌ور شدن جنگ در آوریل ۱۹۹۲ به یکدیگر علاقه‌مند بودند، زمانی بار دیگر به هم می‌رسند که آن زن در اردوگاه نظامی صرب‌ها که مرد فرماندهی آن را بر عهده دارد، زندانی می‌شود. وجود اردوگاه‌هایی که جنایت و بیرحمی شیوه رایج در آنها بود، دنیا را که شاهد بروز یک پاکسازی نژادی در خاک اروپا بود، به لرزه در آورد. در جریان فیلمبرداری، شایعات بی‌اساسی در مورد داستان فیلم در رسانه‌ها انعکاس یافت که مقامات بوسنی به واسطه آنها مجوز فیلمبرداری در آن کشور را لغو کردند و فیلمبرداری در کشور همسایه آن، مجارستان انجام شد. جولی از منتقدان درخواست کرد که تا وقتی فیلم را ندیده‌اند که به گفته وی «یک داستان عاشقانه است، نه بیانیته سیاسی»، قضاوت نکنند.

سینمای جهان



عکس: Beyond Hollywood

ساخته شد، اوایل امسال روی پرده رفت. در سارایوو اخیرا فیلمبرداری فیلمی بابازی پنلوپه کروزوامیل هیرش شروع شده که اقتباسی است از کتاب ایتالیایی پر فروش «دوبار متولد شده» درباره مادری که شهرش را در جنگ از دست داده است و پسرش را به پایتخت بوسنی باز می‌گرداند. جولی و تهیه‌کنندگان فیلم همچنین درگیر دعوایی حقوقی هستند که از سوی جوزپ کزویچ، نویسنده‌ای کروات طرح شده است که می‌گوید، پیرنگ فیلم از کتاب قربانیانی را که همه این چیزها را تجربه کرده‌اند، عمیقاً تحت تاثیر قرار می‌دهد. فیلم واقعا ملموس است و واقعیت‌هایی را که در طول جنگ اتفاق افتاده، بازگو می‌کند. فیلمساز موفق شده است که داستان کل جنگ را در فیلمش نمایش دهد و نشان دهد که زندانیان با چه موقعیت‌هایی روبرو بودند- قتل عام، تجاوز، اسارت‌ها

عنوان سیر انسانی و جمله بوسنی، در نقش دیگر»، اما براتیسلاو جوکیچ، رییس انجمن زندانیان جنگی صرب بوسنی، بعد از تماشای تیزر فیلم واکنشی کاملاً متفاوت نشان داد. او گفت که فیلم «دروغ‌هایی را به نمایش گذاشته است» چون فقط صرب‌ها را بر عنوان افرادی که در جنگ مرتکب جنایت شده‌اند، تصویر کرده است، او خواستار ممنوعیت نمایش فیلم در بخش خودمختار صرب نشین بوسنی شد و گفت: «برای ممنوعیت فیلم هر کاری که در توان داریم، انجام می‌دهیم.» تقریباً دو دهه بعد از روی دادن جنگ در بالکان، چند فیلم که ستاره‌های سیستما درآنها حضور دارند، به این جنگ و پیامدهایش پرداخته‌اند. «فشاکر» با بازی ریچل وایزر و ونسا ردگریوکه بر مبنای داستان واقعی تلاش چند مامور سازمان ملل برای افشای اقداماتی غیر انسانی در بوسنی پس از جنگ

هاتیزدا مهمتویچ، رییس انجمن مادران هشت‌هزار مرد و پسر مسلمان قتل‌عام شده در سربرنیتسا پس از نمایش خصوصی لجنی کوتا متفاوت با سخنان انتقادآمیز سال گذشته خود داشت. وی از جولی برای «سرمایه‌گذاری فکری و مادی او» تشکر کرد و گفت: «فیلم بسیار قدرتمند و خیلی سخت است و اگر در بوسنی فیلمبرداری می‌شد، از این هم قدرتمندتر می‌شد.» مراد هویروچ، رییس انجمن زندانیان جنگی سابق، در مورد فیلم و سازنده‌اش گفته: «این فیلم قربانیانی را که همه این چیزها را تجربه کرده‌اند، عمیقاً تحت تاثیر قرار می‌دهد. فیلم واقعا ملموس است و واقعیت‌هایی را که در طول جنگ اتفاق افتاده، بازگو می‌کند. فیلمساز موفق شده است که داستان کل جنگ را در فیلمش نمایش دهد و نشان دهد که زندانیان با چه موقعیت‌هایی روبرو بودند- قتل عام، تجاوز، اسارت‌ها

نکته

درک کامل اینکه چرا چنین درگیری اتفاق افتاد و چرا آن منطقه چنین وضعیتی دارد، دشوار است. فکر می‌کنم که تماشای فیلم هم خیلی سخت است... امیدواریم تماشاگران فیلم هم واقعا احساس کنند که در موقعیتی ناراحت‌کننده به‌سر می‌برند



واکنش منتقدان سینمایی به «در سرزمین خون و غسل»

مخالفت با سکوت

سیدحسام فروزان

توانایی را دارد که دوربینش را هر جا که می‌خواهد ببرد. اما آیا می‌دانسته‌بادوربین چه بایدبکند؟ پاسخ‌منتقدانیندی‌وابر این است که به‌لۀ آنجلینا جولی موفق شده فیلم استاندارد نبسازد که اگرچه هوای تازه‌ای در سنت درام‌های جنگی محسوب نمی‌شود اما می‌تواند روایتی جذاب از جنگ بوسنی ارایه دهد. این منتقد معتقد است آنجلینا جولی توانسته از فیلمنامه‌اش داستانی دراماتیک و درگیرکننده دربی‌آورد و به لحاظ تکنیکی هم گام محکمی بردارد چرا که فیلم را در لوکیشنی ساخته که همه عوامل در آن به زبان بوسنیایی و صرب و کرواسی صحبت می‌کردند. حس سردی و خشونت جاری در رویدادهای آن سال‌ها در فیلم درآمده است.

آندرو شکرر سینمای‌نویس مجله اسلنت منتقدی است که اعتقاد دارد فیلم ساختن درباره موضوع قساوت‌های تاریخی به شدت پیچیده و بدنام‌کننده است چرا که کارگردان



چشم‌اندازی در مه

نگاهی به فیلم «ما یک باغ وحش خریدیم» صداقت عاطفی

دیوید رونی

■ کمرون کرو که بعد از یک مرخصی شش‌ساله به عرصه فیلم‌های بلند دراماتیک بازگشته، با فیلم بسیار شیرین «ما یک باغ وحش خریدیم» یا به جاده آثار خانوادگی دلپذیر گذاشته است. می‌توان گفت که این یک فیلم نمونه‌آور این کارگردان نیست، از تن دادن به احساساتی‌گری بی‌غل و غش ابایی ندارد و گاهی اوقات در سیطنت افراط می‌کند. اما این داستان برخاستن و سر بلندکردن، واجد خوش‌قلبی، انسانیت و یک بازی گرم و همدلی‌برانگیز از جانب مت دیمون است. اگر بخوایم از قول شخصیت باگویی، «یک عالم حیوانات باحال هم دارد». هواداران آثار کرو امیدوارند بعد از فیلم شکست‌خورده «الیزابت تلون» (۲۰۰۵) او را بار دیگر در جایگاه فیلمسازان پیشرو ببینند. فیلم ضرباهنگ نامهمگونی دارد اما با درهم‌آمیختن تلخی و سرخوشی به شکلی زیرپوستی اثرش را می‌گذارد.

فیلمنامه به قلم آلین براش مک کنا (فیلمنامه‌نویس «شیطان پرادا می‌بوشد») برداشت آزادی است از خاطرات بنجامین می، روزنامه‌نگار بریتانیایی. البته کرو داستان را از دودشایر انگلستان به جنوب کالیفرنیا منتقل کرده است. می بعد از آنکه همسرش به علت ابتلا به تومور مغزی درگذشت، یک باغ وحش خرید. فیلم شش‌ماه بعد از درگذشت همسر او (استفانی شوپاک، که در فلش‌بک‌ها حضور دارد) آغاز می‌شود. بنجامین (دیمون) همچنان درهم‌شکسته است اما شروع تازه‌ای را برای فرزندانش، دیلان (کالین فورد) نوجوان و رزی (مگی الیزابت جونز) هفت‌ساله در نظر دارد. وقتی دیلان به جرم دزدی از مدرسه اخراج می‌شود، بنجامین نیز کارش را در روزنامه‌ای در لس‌آنجلس رها می‌کند و به حومه شهر می‌رود تا خانه و اتا‌های بخرد. بنجامین برخلاف توصیه برادرش، دالکن (تامس هایدن چرچ) هرچه به ارث برده را برای خرید یک باغ وحش از زده خارج‌شده می‌پردازد. در این باغ وحش که بسیار از شلوغی شهر فاصله دارد، ۲۰۰ حیوان زندگی می‌کنند و چند نفر از کارکنان به سرکردگی کلی (اسکارتل جوهانسن) نگهبان باغ وحش در آن حضور دارند که حقوق نگرفته‌اند. مساله اصلی پیش‌پند روایت مأموریتی است برای یافتن پول به منظور رساندن باغ وحش به استاندارد لازم برای بازگشایی آن. اما کربن نیز کم‌دی مربوط به مسایل کارکنان -یک خرس گریزلی افسرده، مارهای استوایی فراری- و غم و غصه‌های شخصی شخص‌های که هنوز سوگوار است، تعادلی برقرار می‌کند. بیشتر شکستن میان بنجامین و دیلان است که بیش از آن به یکدیگر شباهت دارند که بتوانند با هم ارتباط موثری برقرار کنند. افت و خیز تعلیق موجب می‌شود که بازگشایی بزرگ باغ



وحش حالتی متکیلی پیدا کند چون موانعی که بر سر راه پروتاکونیست قرار می‌گیرد، فقط با لگویی تکرارشونده ناامیدی و سپس تسکین یا پیروزی برطرف می‌شوند. فیلم علری از ترفندهای معمول با کلیشه‌ها نیست اما شخصیت‌ها آنقدر صادقانه و صمیمانه ترسیم شده‌اند که دستکاری‌های فیلمنامه‌ای قابل بخشش به نظر می‌رسد.

کرو در مصاحبه‌هایش گفت است که فیلم جذاب و کم‌خرج «قهرمان محلی» بیل فروسایت، محصول ۱۹۸۲ سرمشق او برای ساختن این فیلم بوده است و او با انتخاب پیتر ریگرت برای نقش سردبیر بنجامین به آن فیلم ادای دین کرده است. وجه مشترک «ما یک باغ‌وحش خریدیم» با آن فیلم، اصالت عمق احساس و همچنین سببیک دلپذیر وجه رمانس طبق معمول فیلم‌های کرو، موسیقی نقش مهمی در شکل دادن به حال و هوای اثر ایفا می‌کند. در اینجا نمه‌های نشاط‌انگیز جونزی، آهنگساز گروه ایزلندیی Sigur Rós و چند قطعه انتخابی ترکیب مناسبی از آهنگ‌های خوب قدیمی و قطعه‌های معاصر فراهم کرده است. انتخاب بازیگران بی‌نقص است، گرچه اکثر آنها دیالوگ چندانی برای کلی زدن ندارند. جوهانسن در یک بازی زیرپوستی شگفتی باهوش و باشعور را ایفا می‌کند که جذب بنجامین می‌شود اما کارش را از همه مسایل مهم‌تر می‌داند. خوش‌خلفی چرچ که البته تا پیچ و خم‌هایی همراه است، تضاد ایده‌آلی با خویش‌تنداری غم‌آلوده دیمون ایجاد می‌کند. فورد تعادل میان خشم و زخم‌خوردگی خام‌اندیشه‌ان را برقرار می‌کند و جونز دوست‌داشتنی است اگرچه شخصیت خردسال او از شیفنگی کرو به نوشتن دیالوگ‌های ثقیل و بیش از حد سینمایی صدمه دیده است. باتریک فوگیت در نقش یکی از کارکنان باغ وحش، کار چندانی جز سر و کله زدن با میمون کاپوچین روی شانه‌اش ندارد اما دیدن او که درواقع نقش خود کرو را در «تقریباً مشهور» برعهده داشت، در اینجا جالب است.

نیرویی که این شخصیت‌های پراکنده را به هم پیوند می‌دهد و صداقتی عاطفی به داستان می‌بخشد، دیمون در نقش بنجامین است. تقلاه‌ای او به فیلم روح می‌بخشد، اگرچه اکثر آنها قابل پیش‌بینی است. دیمون چه در حال التماس به یک ببر بنگال بیمار باشد که تسلیم مرگ نشود، چه در انزوای مایه‌خوابایی فرو رفته باشد یا از سر ناامیدی به دلیل یک درد مشترک فرو غیرقابل بیان بر سر پسرش فریاد بکشد، به این شخصیت که برای یافتن راه بیرون آمدن از غم و سوگواری تلاش می‌کند، یک شخص و شایستگی ذاتی می‌بخشد.

منبع:هالیوودریپورتر